

خراسان، یکی از مراکز بسیار مهم موسیقی، در میان تمدنهای بشری محسوب می‌گردد. سابقه هنر موسیقی در این منطقه به هزاران سال پیش می‌رسد. موسیقی خراسان، اساس و پایه تحقیقات علمی بسیاری از دانشمندان بزرگ در طی تاریخ بوده است.

در آن کتاب، پژوهشهای علمی دقیق در خصوص «پرده بندی» تنبور خراسان به عمل آورده است.

بنابه گفته موسیقیدانان شهیر پایه و اساس گامهای شرقی و غربی، بر آن تکیه دارد. از جمله دانشمندانی که از تأثیر موسیقی خراسان به نتایج بسیار مهمی دست یافته‌اند، «صفی‌الدین ارموی» دانشمند بزرگ می‌باشد که صاحب دو کتاب بسیار مهم در عالم موسیقی است، یکی به نام «شرفیه» و دیگری «الادوار».

به نقل از «هنری جورج فارمر»، «سرهورت بری» گام صفی‌الدین را کاملترین گام می‌داند که تاکنون تدوین شده است. این گام از پرده بندی تنبور خراسان اخذ شده و «دوگام منصوب به فیثاغورث و منصوب به زارلین از پرده بندی تنبور خراسان قابل استخراج می‌باشد.» (به نقل از مرحوم دکتر مهدی برکشلی.)

عبدالقادر حافظ غیبی مراغه‌ای، صاحب «کنزالالخان»، «مقاصدالالخان»، «جامع‌الالخان» و «شرح‌الادوار صفی‌الدین»، سالهای زیادی از عمر شریف خود را در خراسان سپری کرده و بالطبع از موسیقی خراسان

سود فراوان جسته است. تشریح موسیقی خراسان و تأثیر آن بر موسیقی ملل دیگر، امری است علیحده و در این مختصر نمی‌گنجد.

منطقه قوچان، یکی از مناطق خراسان است که موسیقی مخصوص به خود را داراست. از نظر جغرافیایی این منطقه در ماوراءالنهر واقع شده است و اقوام ترکمن، فارس و کرد مهاجر، زندگانی توأم و مشترکی دارند. از این روی، این منطقه محل جمع سه فرهنگ متفاوت می‌باشد که هریک موسیقی خاص خود را داشته‌اند و نهایتاً طی دوران متمادی، این سه به هم آمیخته و فرهنگ موسیقایی مستقل و بارزی را که می‌توان گفت جمع‌الجمع بین سه سبک موسیقی بوجود آورده‌اند. از این روی، موسیقی قوچان بویژه سبک دوتارنوازی آن، حائز اهمیت فراوان می‌باشد. این نکته نیز درخور توجه است که در این منطقه شیوه‌های اجرای متعددی وجود دارد که هریک با دیگری تفاوتی را نشان می‌دهد.

از سیم زیر (نازک) این ساز، برای اجرای اجزای نعمات استفاده می‌شود. در حالی که استفاده از سیم بم یا سیم بالای این ساز (دوتار) در دو منطقه تربت جام و قوچان متفاوت است. در تربت جام، سیم بم وظیفه اجرای آن را به عهده دارد. البته در شیوه اجرای منطقه قوچان نیز توسط انگشت شصت از سیم بم نغماتی حاصل می‌آید که همین امر علیحده نیز خود یکی از وجوه اجرای ویژه این ساز در منطقه خراسان است. کولک این ساز، در زمان حاضر، معمولاً بر فاصله

موسیقی نواحی مختلف
موسیقی در ایران

موسیقی

• علی اصغر بیاتی مقامی خراسان

چهارونیم منطبق است. این موضوع در کتاب «الموسیقی الکبیر» نوشته ابونصر فارابی نیز درج است.

صدای بوق بس شوم و باعث خانه خرابی است. البته حدود ده سال است که کاربرد بوق منسوخ شده است.

توضیح ۳: در منطقه معتقدند که «دوتار» از لقمان حکیم است. داستانی هم به پیدایش دوتار منتسب است، بدین معنی که جوانی مریض احوال نزد لقمان حکیم به مداوا آمد. معالجات رایج مؤثر نیفتاد و حکیم به فراست دریافت که گویا مویی بر تارک دل بیمار پیچ خورده است و تنها چاره، پرواز دل است. بلکه با این حرکت و طیران، این تار مو باز شود و عقده ای گشوده گردد. از این رو ساز دوتار را از تنه درخت به شکل گلابی بساخت و از ابریشم تابیده بر آن زه کشید. اما صدایی حاصل نشد. حکیم به تأمل فرورفت و در این باب غور و تفحص کرد. روزی در شارع، خواننده ای دید با معنی بس نیکو و دیگر روز، همان شخص را دید هنگام خواندن اما صدا و تغنی او مانند پیشین روز نیک نبود. علت را پرسید و جواب بشنید که پیشین روز هنگام نغمه خوانی اندرون از طعام تهی داشتم و امروز لبالب است. حکیم به فراست دریافت، شکم کاسه ساز را مجوف ساخت، ساز را درست پرداخت و صدای مطلوب حاصل آمد.

از آن کاسه تار خالی کنند

که خواهند آواز عالی کنند

سپس ساز را نزد بیمار به خروش آورد و استماع صدای خوش، دل بیمار جوان را به طیران درآورد. تار مو بگشوده گشت و سلامت بازگشت. درباب ساخت خرک (تکبه گاه و

آلات موسیقی مورد استفاده:

سازهای متداول در منطقه قوچان عبارتند از: ۱- دوتار ۲- سرنا یا سورنا (زرنا یا زورنا) ۳- دهل ۴- قوشمه یا قشمه ۵- دایره یا دیره ۶- کمانچه ۷- نی ۸- بوق (که برگرفته از شاخ حیوان جنگلی یا بزکوهی است و در اویش آن را بر روی شانه همواره حمل می کرده اند).

توضیح ۱: «دیره» دو معنی را می رساند: اول لفظ ترکی به معنی پوست گوسفند یا هر حیوان دیگر. برخی، دره یا درمه هم می گویند. «درمه» به معنای نواختن، به معنای انگشتان و نیز به معنای حرکت انگشتان هنگام قالی بافی است. همچنین به حرکت اناث اطلاق می شود که بدن بدون تکان زیاد، توسط پاها بخرامد. دیره به معنای «جمع کردن» آهنگ با انگشتان است. اطلاق لفظ دایره به معنای شکل خاص هندسی است و در اینجا درست نیست. در برخی از روستاها «رال دفه» نیز اطلاق می شود. رال به معنای درست و دف هم به معنای پوست است.

توضیح ۲: «بوق» که از جنس شاخ نوعی بزکوهی است، در گذشته و حال بر دوش بعضی در اویش دوره گرد در یوزه حمل می شد. هنگام در یوزگی اگر کمکی نمی رسید، بوق به صدا درمی آمد و مردم معتقد بودند که



پل گذر سیمها)، شیطانک و دیگر اجزای ساز نیز قصه هایی گفته اند که نقل آن از حدود این مقاله خارج است. دوتار نزد مردم منطقه حالت تقدس دارد و احترامش بر خرد و کلان واجب است.

در باب ساخت و پرداخت دیگر سازها نیز حکایاتی هست.

استان خراسان دارای غنی ترین و قدیمترین فرهنگ موسیقی در مناطق ایران است که ابونصر فارابی فیلسوف و دانشمند بزرگ، پایه تحقیقات موسیقی خود را با تنبور خراسان استوار کرده است و در کتاب معروف و عظیم خود «موسیقی کبیر» باب مستقلی را به تشریح علمی این ساز اختصاص داده است.

دوتار در نوع خود کهن ترین سازهای زهی در ایران، بلکه تمام خاورمیانه و آسیای مرکزی بشمار می رود.

تصویر این ساز در برخی از حجاریهای چندین هزارساله ایران موجود است و در کنشی که به زبان پهلوی تألیف شده است نام این ساز به صورت تنبور آمده است.

بعد از اسلام نیز این ساز رواج کامل داشته است تا جایی که بعضی از مورخین دوره اسلامی تصریح کردند که ایرانیان بیشتر تنبور می نوازند.

در تألیفات علمی در باب موسیقی بحثهای فراوانی در مورد این ساز به عمل آمده است. کاسه این ساز از چوب توت و دسته آن معمولاً از چوب زردآلو یا عناب ساخته می شود و بر آن در گذشته دو رشته زه یا ابریشم می بسته اند که در قرن اخیر به تدریج سیم فلزی جانشین آنها گردید.

طول این ساز معمولاً بیش از یک متر است که بر دسته آن معمولاً در منطقه تربت جام هشت پرده و در قوچان یازده پرده می بندند، البته برخی از این پرده ها را در نواختن مقامهای گوناگون برای بدست آوردن فواصل دیگر تغییر می دهند. جنس این پرده ها هموماً از زه است.

تنبور خراسانی که در منطقه به دوتار شهرت دارد، در این منطقه بیش از سایر سازها مورد توجه واقع شده است. شیوه اجراء و سبک های رایج موسیقی و دوتارنوازی در خراسان بسیار متنوع و متفاوت از یکدیگر است به نحوی که علاقمندان را همواره به جستجوی سبب این همه تنوع وادار می سازد.

لکن به رغم این وجوه تمایز و تفاوت دو حوزه کلی در موسیقی خراسان قابل تشخیص است.

نخست حوزه شرق خراسان که مرکز هنری این حوزه در عصر جدید در تربت جام و توابع آن چون تایباد قرار دارد و در این نوشته به اختصار موسیقی تربت جام نامیده می شود و دیگری موسیقی حوزه شمال خراسان که مرکز آن در قوچان قرار دارد و پس از این در این نوشته از آن به نام موسیقی قوچان یاد خواهیم کرد. حال اینک به اختصار خصایص اصلی این دو حوزه هنری مورد تحقیق قرار می گیرد.

الف: موسیقی تربت جام

مقامهای این منطقه به دو قسمت تقسیم می شوند: بدون کلام و با کلام. از مهمترین مقام های بدون کلام می توان از مقام «الله» و «مشق پلستان» نام برد. مقام «الله» خود شامل هفت قسمت است: ۱- «الله» ۲- «رجل» ۳- «مرغ زیرک» ۴- «مرغ سقا» ۵- «کوک ذری» (کبک ذری) ۶- «شور شیرین» ۷- «ورداعظم».

از میان مقام های آوازی می توان به مقام «سرحدی» و «نوائی» اشاره نمود.

مقام «سرحدی» به دوبخش تقسیم می شود: «غزلیات سرحدی» و «دوبیتی های سرحدی» که در منطقه «چهاربیتی» نامیده می شود. کشیری از مقام های دیگر که با آنها غزل خوانده می شود ملحق به «غزلیات سرحدی» هستند از قبیل «شاه زمان» و «امان لیلی» و «دل شیدا». همچنین بسیاری مقامها نیز که با آنها دوبیتی خوانده می شود ملحق به «دوبیتی سرحدی» هستند مانند «جمشیدی»، «هزارگی»، «کبوتر»، «کوچه باغی»، «کوهسانی» و «حسن آبادی».

مقام «نوائی» نیز یکی از مقامهای بسیار کهن منطقه است که همراه با آن غزل خوانده می شود. این مقام بسیار متنوع و دارای پنجه های گوناگون و بسیار زیبایی است و بیش از مقامهای دیگر تربت جام در کشور ایران شناخته شده است و اغلب مردم ایران با نغمه اصلی آن آشنایی دارند. از خصایص موسیقی تربت جام استفاده از پنجه های پیچیده و متنوع است که از این میان می توان به «پنجه» و «سربنجه» و چند نوع «پنجه گردان» و «پیچ» و چند نوع «ریز» اشاره نمود که با استفاده از این پنجه های متنوع ایقاعات (ریتم های) پیچیده و در عین حال بسیار زیبایی ایجاد می شود. یکی از ممیزه های بزرگ موسیقی تربت جام آن است که مقام های آن اغلب متضمن مباحث عرفانی و دینی است.

در منطقه تربت جام، سبک خاص و مستقلی از موسیقی خراسانی اجراء می شود که به مثابه امانتی تاریخی توسط استادان بزرگی چون مرحوم «یوسف خان تیموری»، مرحوم «حاج غلامعلی میرزااحمدی»، مرحوم «اسدالله اسدی»، مرحوم «استاد اسماعیل» و مرحوم «نظر محمد سلیمانی» به نسل امروز سپرده شده است تا چون جان شیرین از آن حفاظت کنند و به نسل آینده بپارند.

از جمله اشخاصی که به این امر مهم اشتغال دارند، عبدالله سرور احمدی است. او در خانواده ای که همگی با دوتار آشنایی داشتند متولد شد، پدر بزرگ مادری و پدری ایشان به نامهای استاد اسماعیل و استاد عبدالوهاب دوتار می نواختند که در این میان استاد اسماعیل از نوازندگان بسیار مبرز دوتار به شمار می رفته است. پدر و مادر آقای سرور احمدی نیز هر دو دوتار می نواختند که بالاخص مادر ایشان که حافظ نصف قرآن مجید نیز هست، نسبت به مقامات تربت جام احاطه کامل دارد. در ضمن مادر استاد از پدر خود

ن توانسته است استفاده کافی ببرد و این هنر از دایمی خود
مرحوم حاج غلامعلی میرزا احمدی یکی از اساتید مسلم
دوتار آموخته است.

عبدالله سرور احمدی، از سن ده سالگی نزد مادر خود
به تعلیم دوتار پرداخته است و از سال ۱۳۵۲ نیز به محضر
تعلیم «نظر محمد سلیمانی» استاد بی رقیب دوتار در منطقه راه
یافته و تا آخر حیات آن مرحوم در سال ۱۳۵۸ به تعلم نزد وی
اشتغال داشته است.

عبدالله سرور احمدی احاطه کافی به مقامات رایج در
منطقه دارد و هم اکنون نیز بسیار از دوتارنوازان از محضر وی
کسب فیض می نمایند، از جمله سه فرزند ایشان به نامهای
سعید، مجید و وحید نزد پدر به فراگیری دوتار مشغولند،
بخصوص فرزند ارشد ایشان سعید در این هنر پیشرفت
شایانی کرده است.

عبدالله سرور احمدی از چندین سال پیش گروه
دوتارنوازان شیخ احمد جامی را تأسیس نموده است که
تاکنون نیز به سرپرستی خود ایشان در چندین جشنواره
شرکت کرده اند.

«قلاق» را نام برد.
در شیوه دوتارنوازی قوچان نیز مانند ترب جام پنجه های
پنججمله و زیبای بسیار وجود دارد که از این میان می توان به
«شلبه»، «برگردان»، «ریز»، «برگردان شکسته»، «برگردان
ضربتی»، «پنجه فاصله دار»، «پنجه بیج دار»، «ریز جمعی» و
«ریزدوانگشتی» را اشاره کرد.

یکی از خصیصه های موسیقی قوچان ریزهای پر و مداوم
و خوش آهنگی است که با ترکیب «شلبه» و برگردانهای
متنوع، تداوم و استحکام کم نظیری در موسیقی منطقه بوجود
آورده است.

موسیقی این منطقه توسط استادان بزرگ که راوی زنده
تاریخ، فرهنگ، هنر، حماسه های تاریخی، رویدادهای
مهم و مراتب و معارف دینی و عرفانی هستند حفظ شده و
سینه به سینه به نسل امروز رسیده است. از جمله استادان
منطقه شمال خراسان استاد «حاج قربان سلیمانی» می باشد که
احاطه کاملی به مقامات رایج در منطقه دارد و این مقامات را
با دقت و تعمق به فرزند خود علیرضا سلیمانی که اکنون
پنجاه سال دارد، آموخته است.

● موسیقی خراسان در دو حوزه تربت جام و قوچان تعریف می شود. زبان اشعار موسیقی تربت جام، فارسی است.

استاد حاج قربان سلیمانی هفتاد و هفت سال دارد و به
امر کشاورزی مشغول است، او ششمین نسل از خانواده ای
است که دوتار می نوازند. نام پدر وی مرحوم استاد کربلای
رضایان بوده است که سلسله اساتید در این خانواده هنرمند
عبارتند از: استاد حسینعلی، فرزند استاد قربان پسر
علی محمد فرزند استاد یعقوب. استاد یعقوب، در روستایی
به نام سلطان آباد عراق، در اطراف سبزوار می زیسته است.
به عللی همراه دو برادر خود به نامهای «عتیر» ملقب به
«مرگان» (شکارچی) و «سید علی» و «سید علی» به نام «پیش آقاج»
(پنج درخت) کوچ می کنند. بعدها، استاد حسینعلی در
روستایی در اطراف قوچان ساکن می شود. بنابراین استاد
علیرضا سلیمانی، پشت هفتم می باشند که دوتار را سینه به
سینه از پدران خود آموخته است و او نیز این هنر را به فرزند
خویش «حاجت الله» می آموزد. استاد حاج قربان گذشته از
روایت میراث هنری گذشتگان، خود نیز به ابداع چند پنجه
جدید توفیق حاصل نموده و مقامهایی را نیز براساس این
پنجه ها تدوین کرده است، از جمله آن مقامها می توان به
گزل نه گزل، پیران و یک نوع شاه ختایی اشاره نمود.

ب: موسیقی شمال خراسان (قوچان)
در منطقه شمال خراسان هنرها است که مردمی از اقوام
فارس، ترک و کورد هم کنار هم و با معاضدت یکدیگر زندگی
می کنند و به سبب این تلاقی مشترک یک فرهنگ اجتماعی
واحد به دست آمده است. از همین روی پیداست که موسیقی
این منطقه نیز بر مبنای هنر موسیقی این سه قوم پدید آمده
است، لکن این بدان معنا نیست که این هنر الطاقی است،
بلکه تفکر هنر این منطقه توانسته است که از اجزای هنری
موسیقی این اقوام بتلی با تمین مستقل ایجاد نماید و طریقی
نو درآفکند، به نحوی که امروز هویت شخصی موسیقی های
مذکور، در ماهیت کلی و جمعی موسیقی منطقه مستحیل و
فانی گشته است و موسیقی کنونی قوچان، جمع الجمع
سبکهای موسیقی های اقوام منطقه است. به همین جهت،
موسیقی قوچان نیز به دو قسمت تقسیم می شود: یک کلام و
بدون کلام. از میان مقامهای باکلام می توان به «نواپی»،
«تختیسی»، «انصیحت» و «زارنجی» اشاره نمود. از جمله
مقامهای بدون کلام می توان «قره جبه بایر»، «مشرزنگ»،
«الاقائیش» و «آکانور» مقام لر باشی» یک بخش از مقام «حجی